

جامعه شناسی دینی – اسلامشناسی اجتماعی
آیا حکومت و شریعت اسلامی قرآنی و الهی اند؟

قرائت قرآن «غیر دینی»

جلد 1

محدودیت های قرآنی و
تحریفات قرائت «رسمی و با واسطه»

رضا ایرملو

پروفسور جامعه شناسی- سوئد

توجه: برای تهیه کتاب به کتابفروشی های معتبر در اروپا و آمریکا و یا مرکز
توزیع آن در آلمان، کتابفروشی فروغ تلفن: 004922192355707 و فاکس

00492212019878 مراجعه فرمائید

(این صفحه فقط برای درج در اینترنت اضافه شده است. دوستانی که کتاب را
چاپ می کنند می توانند از این صفحه صرف نظر کنند.)

آدرس برای اظهار نظر: gghevedini@yahoo.com

فصل 2

دستکاری و تحریف حمایتی آیه ها

امانت داران "کلام الله"

مترجمان و مفسران معروف قرآن، طبق روش معمول، در بین متون ترجمه خود پارانتز هائی باز می کنند و مطالب توضیحی خود را در داخل آن پارانتزها می نویسند. این روش به این معنی است که مطالب بیرون پارانتزها، ترجمه کلمه به کلمه و مستقیم آیات قرآن است و هر جا مترجم برای توضیح متن اصلی احتیاج به توضیح بیشتری داشته، برای حفظ امانت متنی که متناسب به خداست، آن توضیح اضافی را در داخل پارانتز آورده است. بر اساس این روش، باور و انتظار عمومی بر آن است که:

1- اولاً متون خارج پارانتزها فقط باید ترجمه کلمه به کلمه آیات قرآن باشند و،

2- ثانیاً توضیحات داخل پارانتزها فقط باید:

- متن اصلی را توضیح دهند،

- هیچ موضوع دیگری غیر از آن چه به صراحت در متن اصلی آمده است را در بر نگیرند و،

- هیچ جای معنی و منظور متن اصلی را هم تغییر ندهند.

اعتماد به این روش، همچنین این اطمینان را در خوانندگان متون ترجمه ای قرآن به وجود می آورد که هیچ معنی و مفهومی اضافه بر متن اصلی، در متون ترجمه ای وارد نشده است.

این اطمینان همچنین با این پیشداوری تقویت می شود که حتماً کسی که کار مترجمی قرآن را به عهده می گیرد، هم فردی متعهد به حرفه مترجمی و هم مؤمن به الهی بودن قرآن است و کسی با این خصوصیات و اعتقادات، هرگز و هرگز؛ یعنی حتی دستش را هم ببرند، دست به تغییر معنی و مفهوم متن قرآن نمی زند و به هیچ بهائی به "وحی و امانت خدا" خیانت نمی کند.

در ضمن، متشرعین اسلامی قرن هاست در این مورد تبلیغ می کنند¹⁵⁴ که طبق آیات قرآن:

- "خداوند حافظ کلام خود" است و کسی نمی تواند "کلام الله" را تحریف کند و در آن خللی وارد آورد.

به بیان تفسیر نمونه، "خداوند نسبت به حفظ قرآن از هرگونه تحریف تضمین داده است"¹⁵⁵، چرا که آیات مربوطه در قرآن در این مورد صراحت دارند که: **"کلام خدای تو از روی راستی و عدالت به حد کمال رسید و هیچ کس تبدیل و تغییر آن کلمات نتواند کرد و او شنوای داناست"**¹⁵⁶ (سوره انعام، آیه 115)، **"بی گمان کسانی که قرآن را انکار می کنند، و آن کتابی است گرمی، که در اکنون و آینده اش باطل در آن راه نمی یابد، فروفرستاده ای از سوی فرزانه ستوده است"**¹⁵⁷ (سوره فصلت، آیه 42-41) و **"همانا ما قرآن را نازل کردیم و ما نگهدار آنیم"**¹⁵⁸ (سوره الحجر، آیه 9).

این تفسیرها و تأکیدها، این باور، یا شبهه عمومی را هر چه بیشتر تقویت می کنند که گویا:

1- اولاً مفسران و شریعت سازان، به تحریف قرآن بر نمی خیزند و،

¹⁵⁴ لزوماً بعد از پس گرفتن اعتراضات اولیه شان به قرآنی که در زمان عثمان جمع آوری و به لهجه قریشی بازنویسی شده بود (ر. ک. به بحث های مربوطه در جلد دوم این کتاب).

¹⁵⁵ ر. ک. به تفسیر نمونه، فهرست موضوعی، ص 283 و جلد 11، ص 17.

¹⁵⁶ قرآن، ترجمه حسین محی الدین الهی قمشه و قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

¹⁵⁷ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

¹⁵⁸ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

2- ثانیاً اگر هم به چنین کاری برخیزند، طبق آیات مربوطه، با ممانعت خداوندی که نگرهبانی آن را تضمین کرده، رو به رو شده و از ارتکاب به چنین کاری باز داشته می شوند.

متشرعین و شریعت سازان اسلامی مدعی این اندیشه، نمی توانند توضیح دهند که اگر مقصود از نگرهبانی قرآن، جلوگیری از عدم تحریف «معنی و مفهوم» قرآن است، پس این همه مذهب و فرقه دینی و اسلامی مختلف چگونه به کتاب یکسانی استناد می کنند و هر کدام نیز از آیات آن، معانی متفاوت و خاص خواست خود را می سازند و با این معانی ابداعی و استخراجی، علت وجودی و مشروعیت خود را توضیح می دهند.

- آیا استخراج این همه معانی مختلف از یک متن قرآن به معنی دست بردن های گوناگون در معنی و مفهوم قرآن و تحریف معانی آن نیست؟

اعتقاد به صحت عمل مترجمین و مفسرین قرآن، به خصوص از آن نظر در جامعه ما تقویت شده و جنبه عام و عمومی پیدا کرده که بسیاری قادر به خواندن و نوشتن زبان عربی نیستند. حتی با دانستن این زبان، از آن نظر که اغلب مسلمانان به سبب های دینی و تاریخی، مردمی حقیقت جو و محقق نیستند، نمی توانند، نمی خواهند یا از ترس تابوها و انحصارگران دینی جرأت نمی کنند تا برای «قرائت مستقیم و بدون واسطه کتاب دینی» خود همت بگمارند و به تحریفات معانی بی که از سوی فرقه های مختلف اسلامی عرضه می شوند، پی ببرند.

با این وجود، گاهی جملات آیه ها به قدری خلاصه و ساده اند که ایرانیان و سایر مسلمانان غیر عرب نیز با اطلاع نسبی از کلمات عربی موجود در زبان هاشان متوجه می شوند که کارها به این سادگی و به درستی پیشداوری های شان پیش نرفته و نمی روند. نگاهی، ولو نه چندان عمیق به متون قرآن و مقایسه آن با متون ترجمه ها و تفسیر های موجود، نشان می دهند که نه تنها این پیشداوری ها در

مورد دست نخوردگی متون ترجمه ای قرآن صحت ندارند، بلکه اساساً از وظائف مترجمین قرآن آن است که:

- به تبعیت از این یا آن مفسر و متکلم، در مفهوم آیات منسوب به خدا دست ببرند و آن ها را به «نفع اسلام و اسلامیان روز» تغییر دهند. حال:

-- یکی مفهوم آیه را تغییر می دهد،

-- دیگری به نظر خود غلط های علمی را اصلاح می کند و،

-- یکی دیگر با «تغییرات کوچک» در این جا و آن جای قرآن، برای خدای خود هوادار و نمازخوان و برای اربابان دینی و اسلامی نیز حکومت، شوکت و ثروت جمع می کند.

ظاهراً اینان، از این که توانسته اند در «معنی و مفهوم» قرآن دست ببرند و آن را با منافع اسلام حکومت گر! تطبیق دهند، افتخار هم می کنند. حتی چنین می نمایند که گویا انتظار آن را هم دارند که "خداوند بخشنده و مهربانی" که مورد سانسورشان قرار گرفته، عوض این «خدمات حمایت گرانه» و «تحریف های خیرخواهانه!» را در این یا آن دنیا بدهد و از شرمندگی شان در آید.

بهاالدین خرمشاهی و حسین محی الدین الهی قمشهء، مترجمان معروف قرآن نیز، فقط مترجمان حرفه ای و بی طرف قرآن نیستند.

آنان نیز تفسیرات و توضیحات اضافه بر متن اصلی را در داخل پارانتز می نویسند و آنان نیز به این وسیله، این اطمینان را به خوانندگان قرآن ترجمه شده القاء می کنند که گویا:

- هر چه در متن اصلی قرآن وجود دارد، ترجمه کلمه به کلمه آیات قرآن است و هر چه اضافه بر آن است، با پارانتز مشخص شده است. همچنین،

- آن چه در داخل پارانتز آمده، مربوط و منطبق با معنی آیه مربوطه است و فکر و باور دیگری را به خواندگانش القاء نمی کند.

با این وجود، آنان نیز از این اعتماد عمومی به امانت داری شان سوء استفاده می کنند و،

- هم در متن قرآن ترجمه شده دست می برند و کلماتی را به فارسی بر می گردانند که در متن اصلی قرآن، یا آنچه "وحی الهی و کلام الله" خوانده می شود، وجود ندارند و،

- هم در داخل پارانتز ها مطالبی می نویسند که با محتوی متن اصلی آیات منسوب به خدا نمی خوانند و معنی و مفهوم آیات را تغییر می دهند.

دعای پایانی این هر دو مترجم نیز نشان می دهند که اینان نیز این دخالت بشری در کلام خدا و اصلاح، سانسور و تحریف معانی آیات قرآن را خدمتی برای خدا و اسلام می پندارند. اینان نیز این را نیز جزو وظیفه مترجمی اسلام خواهانه خود می دانند که با دخالت خود در آیات قرآن، معنی و مفهومی بیافرینند که از معنی و مفهوم ظاهری و لزوماً مورد نظر خدا، «بهتر یا بیشتر» به سود اسلام حکومت گر تمام شود.

در ذیل نمونه هائی تصادفی و لزوماً نه مهم از این صدها و هزارها دستکاری و تحریف در ترجمه قرآن را نقل می کند.

1- صف به صف «خدا» و فرشتگان "بنده"

ترجمه آیات آغازین سوره الصافات یکی از این نمونه هاست. متون اصلی این آیات هم ساده اند و هم از کلماتی تشکیل شده اند که در زبان فارسی نیز دارای همان مفهوم رایج در زبان عربی اند. در نتیجه، فارسی زبان ها برای قضاوت در مورد وجود کلمات ترجمه شده در این آیه ها، احتیاجی به دانستن زبان عربی ندارند. اصل متن آیات مورد نظر سوره الصافات چنین است: "والصفت صفأ (آیه 1)؛ فالزجرات زجراً (آیه 2)؛ فالتلت نكراً (آیه 3)؛ ان الهکم لواحده" (آیه 4).

ترجمه بهالدین خرمشاهی چنین است:

'سوگند به فرشتگان صف در صف' (آیه 1) و با بازدارندگان (از معاصی) (آیه 2) و به خوانندگان ذکر (قرآن و کتاب های آسمانی) (آیه 3) که خدای شما یگانه است" (آیه 4)¹⁵⁹.

مقایسه متن عربی 'والصفت صفا' و متن فارسی "سوگند به فرشتگان صف در صف" آیه اول نشان می دهد که کلمه «فرشتگان» که در متن ترجمه آمده، هیچ معادلی در متن عربی قرآن ندارد. به بیان دیگر، در متن عربی آیه، هیچ کلمه ای مترادف کلمه "فرشتگان" یا هیچ اشاره ای که یک چنین فهم و درکی را سبب شود، وجود ندارد. ترجمه درست و کلمه به کلمه این عبارت: 'سوگند به صف در صف' است. ترجمه «تفسیر نمونه» نیز مشابه این معنی، یعنی: 'سوگند به آن ها که صف کشیده اند'¹⁶⁰ را مطرح می کند.

حال، این «صف در صف» که خدا با آن سوگند می خورد، چه معنی و مفهوم دارد و اصولاً دارای معنی هست یا نیست، بحث دیگری است. ظاهراً این آیه هیچ معنایی ندارد و از این نظر می تواند جزو آیات متشابه یا متشابهات¹⁶¹ به حساب آیند. به همین خاطر هم، مترجم قرآن، بهالدین خرمشاهی، خود را موظف دیده تا کلام و وحی ظاهراً «فاقد معنی» خدا را با اضافه کردن کلمه "فرشتگان"، یک کمی! تغییر دهد و با این اصلاح کوچک! به آیه اول این سوره، معنی و مفهومی ببخشد. - آیا این کار به معنی اعتراف به نقص آیه و ناتوانی یا فراموش کاری خالق آیه نیست؟ و،

- آیا اصولاً کسی که کلام خدای خالق جهان را محتاج تکمیل و اصلاح می داند، می تواند ادعا بکند که به قادر و توانا بودن خدای خالق این آیه و کتاب ایمان دارد؟

¹⁵⁹ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

¹⁶⁰ قرآن، ترجمه تفسیر نمونه.

¹⁶¹ یعنی آیه ای که دارای هیچ معنی نیست یا معانی مختلف و مخالف دارد. ر.ک. به توضیح مربوطه در فصل «دشواری های شناخت دینی بدون واسطه» در این کتاب.

دخالت مترجم قرآن در معنی و مفهوم این سوره از قرآن اما، در همین جا و در همین حد خلاصه نمی‌شود. ترجمه ظاهراً «کلمه به کلمه» آیات دوم و سوم سوره الصافات از متن عربی به فارسی نیز، به شرح زیر از اصلاح و سانسور این مترجم و مفسر قرآن تأثیر پذیرفته و معانی یافته اند که در کتابی که «وحی و کلام خدا» نامیده می‌شود، هیچ معادلی ندارند:

"فَالزَّجْرَاتُ زَجْرًا" به معنی 'به بازدارندگان' و "فَالتَّلِيتُ نَكْرًا" به معنی 'به نکر کنندگان' است. ترجمه توضیحی این آیات در تفسیرها نیز مشابه این معانی و چنین است: "همان‌ها که قویاً نهی می‌کنند" و 'و آن‌ها که پی در پی نکر را تلاوت می‌کنند'¹⁶².

ترجمه خسرمشاهی اما توضیح بیشتری از معنی و مفهوم متن اصلی دارد: وی آیه دوم را: "و با بازدارندگان (از معاصی)" (سوره الصافات، آیه 2) "و آیه سوم را: "به خوانندگان نکر (قرآن و کتاب‌های آسمانی)" (سوره صافات، آیه 3) ترجمه کرده است.

مقایسه توضیحات ترجمه خسرمشاهی با ترجمه‌های توضیحی سایر شریعت‌سازان، مثلاً توضیحات «تفسیر نمونه» روشن می‌سازد که:

- خسرمشاهی در این جا نیز، این بار با افزودن عبارات توضیحی در داخل پارانتزها، در معنی و مفهوم آیات دست برده و به این آیه‌ها، معانی و مفاهیمی بخشیده که در متون اصلی وجود ندارد. هیچ کدام از عبارات "از معاصی" در داخل پارانتز جلو آیه دوم و "قرآن و کتاب‌های آسمانی" در داخل پارانتز جلو آیه سوم، توضیح صحیح متن آیه‌ها نیستند و هیچ کدام نیز مفهوم مشابهی در متن اصلی ندارند. این دخالت اضافی در ترجمه، به آیه دوم معنایی داده که در متن اصلی قرآن وجود ندارد و همچنین معنی و مفهوم «احتمالی یا ناقص» آیه سوم را هم «قطعی» جلوه می‌دهد.

این همه، چه را نشان می‌دهد جز آن که خسرمشاهی مترجم معروف قرآن به زبان فارسی به وظیفه مترجمی خود وفا نکرده و در معنی

¹⁶² ر. ک. به تفسیر نمونه.

متنی که به ادعای خود وی، "کلام و وحی" خداست، دست برده است. با این وجود، وی نیز مانند سایر متکلمین، مترجمین و مفسرین قرآن، حتما خوشحال است که فرصتی یافته تا به حمایت از قرآن و خدا برخیزد و به «تکمیل» متون دینی بی دست بزند که لابد از نظر وی «ناقص، ناکفا و محتاج اصلاحند».

آیا چنین فکری می تواند از ایمان به خدای دانا و توانا ناشی شود؟

خرمشاهی خود بهتر می داند که اصلاح متنی که وی خود آن را "نازل شده از سوی خداوند خالق جهان" می داند،

1- می تواند به معنی آن باشد که نویسنده در مورد توانائی و دانائی خدای خالق این آیات شک دارد. چنین فکر و ارزیابی ای در عین حال به معنی رد آیاتی است که مدعی اند: **(«الله مايشاء، ان الله على كل شى القدير»)** " ... خداوند هر چه بخواهد می آفریند، بیگمان خداوند بر هر کاری تواناست" ¹⁶³ (سوره نور، آیه 45) و **«الگو این کتاب را آن خدائی فرستاده که به علم ازلی از اسرار آسمان ها و زمین آگاهست»** ¹⁶⁴ (سوره فرقان، آیه 6).

2- می تواند به معنی رد ادعای قرآن در مورد ساده، روشن و همه فهم بودن آیات قرآن باشد و از این نظر نیز در تضاد با دسته ای از آیات قرار گیرد که قرآن را «مبین» ¹⁶⁵؛ یعنی «ساده، روشن، قابل فهم و بی نیاز از تفسیر و توضیح» معرفی می کنند: **«... آری نور و کتابی مبین (روشنگر) بیه سوی شما آمده است: «این ها آیات کتابی روشنگر (مبین) است. ما آن را به صورت قرآنی عربی نازل کردیم؛ باشد که اندیشه کنید»** ¹⁶⁶ (سوره یوسف، آیه 1)، **«... این جز اندرز و «قرآن مبین» نیست»** ¹⁶⁷ (سوره یاسین، آیه 69)، **«در حقیقت قرآن را**

¹⁶³ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

¹⁶⁴ قرآن، ترجمه حسین محی الدین الهی قمشهء.

¹⁶⁵ ر. ک. به توضیحات مربوطه در فصل «نزول و آثار نزول قرآن از سوی خدا» در جلد دوم این کتاب.

¹⁶⁶ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

¹⁶⁷ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

برای تذکر بِسَ آسان آوردیم پس آیا متذکر شونده ای هست؟¹⁶⁸ (سوره قمر، آیه 17 و آیات مکرر 22، 32، 40 و دیگر)، "الر (الف لام راء) کتابی است از سوی فرزانه ای آگاه که آیات آن استوار، روشن و شیوا بیان شده است"¹⁶⁹ (سوره هود، آیات 2-1) و آیات فراوان دیگر¹⁷⁰.

3- یا می تواند به معنی رد صحت و کفایت قرانی باشد که: "اگر انس و جن هم گرد آیند... نمی توانند نظیر آن را بیاورند" (سوره اسراء، آیه 88)¹⁷¹.

خرمشاهی، همانند حسین محی الدین الهی قمشهء و دیگران، با این نوع تحریفات و دخالت ها نشان می دهد که بر خلاف این همه آیه در مورد محافظت قرآن از سوی خدا، شریعت سازان اسلامی به راحتی می توانند آیه الهی را اصلاح و تکمیل کرده، در آیه الهی دست برده و هر معنی یی را که لازم و صلاح باشد، بر زبان خدا جاری کنند.

می بینیم که طبق معمول همه شریعت سازان، «اصلاح حمایتی» خرمشاهی نیز نه فقط کمکی به دین و خدا نمی کند، بلکه باعث بروز سؤالاتی می شود که با اساس دین و صحت قرآن برخورد می کنند و آن ها را زیر سؤال می برند. با این وجود:

- نه این نمونه در قرآن ترجمه شده وی تنها و مهم ترین مورد و اتفاق است و،

- نه وی ار نظر دست بردن در متن قرآن و اصلاح، تحریف و تغییر معنی و مفهوم آیات "نازل" شده، یا وحی شده از سوی خدا، تنها، یا موردی استثنائی است.

¹⁶⁸ سید محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، ج 1 و 2، پیشین، ص 15.

¹⁶⁹ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

¹⁷⁰ ر. ک. به بحث مربوطه در فصل «نزول و آثار نزول قرآن از سوی خدا» در جلد دوم این کتاب.

¹⁷¹ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

2- "وحي الهی" «طوائف بشر» را کم داشت

حسین محی الدین الهی قمشه ای، مترجم و مفسر دیگر قرآن در ایران نیز به همان راهی می رود که سایر مفسران و متکلمان می روند. او نیز قرآن را به نوعی ترجمه می کند که به سود اسلام حکومت گر، شرع و مقامات اسلامی است و او نیز در زمان ارتکاب به این کار، هیچ تردید و تعهدی نسبت به صحت دینی نشان نمی دهد. برای نمونه به ترجمه الهی قمشه ای از آیه 17 سوره هود نظر می افکنیم و آن را با ترجمه جمعی از هم مسلکانش از همین آیه مقایسه می کنیم. در قرآن ترجمه بهالدین خرمشاهی این آیه چنین آمده است:

- "آیا کسی که حجت آشکاری از پروردگارش دارد (پیامبر) و شاهدهی از خویشان (ابوبکر الصدیق)¹⁷² او پیرو آن است (مانند کسی است که پیرو و شاهدهی ندارد؟) و پیش از او هم کتاب موسی راهنما و مایه رحمت بود، اینان به آن ایمان دارند و هر کس از گروه های مشرکین که به آن کفر و انکار ورزد، آتش دوزخ وعده گاه اوست ...¹⁷³" (سوره هود، آیه 17).

جمله مشخص شده فوق به شرح: «و هر کس از گروه های مشرکین که به آن کفر و انکار ورزد...»، ترجمه خرمشاهی از متن قرآنی «و من یکفر به من الاحزاب فالنار موعده...» است. دیگر مفسرین و مترجمین نیز این جمله را در همین معنی یا مشابه آن ترجمه و تفسیر کرده اند. از آن جمله اند:

تفسیر احسن الحدیث: «هر کس از احزاب به آن کفر ورزد...»¹⁷⁴.
تفسیر المیزان: «و هر کس از گروه های مختلف به او کافر شود،...»¹⁷⁵.

¹⁷² قرآن، ترجمه ابوبکر عتیق نیشابوری، تفسیر سورآبادی.

¹⁷³ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

¹⁷⁴ قرآن، ترجمه علی اکبر قرشی، تفسیر احسن الحدیث.

¹⁷⁵ قرآن، ترجمه سید محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان.

تفسیر سورآبادی: **"او هر که به او نگرود به خدا و به رسول و به قرآن از همه کافران از هر گروه که باشند ..."**¹⁷⁶

از آن میان فقط حسین محی الدین الهی قمشهء به آن جنبهء عمومی و جهانی داده و در قرآن ترجمه ای خود، جمله را به صورتی برگردانده است که از نظر معنی با بقیهء ترجمه ها فرق می کند: **"او هر کسی از طوایف بشر (!) به او کافر شود وعده گاهش البته آتش دوزخ است"**¹⁷⁷

"شأن نزول" این آیه بنا به بیان تفسیر سورآبادی چنین بوده که گویا: "کافران مکه گفتند: "یا محمد، گواه داری بر آن که تو رسول خدایی؟". پیامبر علیه السلام دست بر دوش ابوبکر نهاد و گفت "این شاهد من است"¹⁷⁸. ترجمه ها و تفاسیر دیگر در مورد این که این آیه در رابطه با ابوبکر "نازل" شده یا نه، نظرهای مختلفی ابراز می دارند، ولی آن ها نیز همه می پذیرند که این آیه در رابطه و برخورد با گروهی از کافران مکه "نازل" شده و در نتیجه، همان گونه که از متن آیه هم بر می آید، به گروه های (احزاب) کفار مکه در زمان رسول پاسخ می دهد. این است که تا جایی که به مخاطب آیه مربوط می شود، همهء این ترجمه ها، به جز ترجمهء حسین محی الدین الهی قمشهء، مشخصاً به کفار مکه اشاره می کنند. در این میان فقط الهی قمشهء است که کلمهء احزاب را نه «احزاب کفار قریش در زمان و مکان معین 1400 سال پیش از این عربستان»، بلکه "طوایف بشر"، آن هم در معنی گروه های اجتماعی زمان های بعدی و از آن جمله گروه های اجتماعی امروزه، معنی کرده است.

وی البته با اضافه کردن عبارت "طوایف بشر" کار زیادی نکرده، جز آن که "حرف خدا" را که خطاب به «مردمی معین» در «زمان و

¹⁷⁶ قرآن، ترجمهء ابوبکر عتیق نیشابوری، تفسیر سورآبادی.

¹⁷⁷ قرآن، ترجمهء حسین محی الدین الهی قمشهء.

¹⁷⁸ تفسیر سورآبادی، پیشین، ج 2، ص 1046.

مکان معینی» بود، "تغییر" داده و به آن بُعد زمانی و مکانی همگانی و جهانی بخشیده است. فقط همین!
لابد به نظر وی:

- خدا منظورش مورد خطاب قرار دادن «همه طوایف بشر» بوده، ولی قید کلمه "بشر" را فراموش کرده!، یا شاید،
- حسین محی الدین الهی قمشهء خود را بهتر از خدا می داند چگونه باید آیه نوشت و چه محتوایی باید به قرآن داد، یا از نظر وی:
- هر کسی از مفسران، معنی و مفهومی برای قرآن نوشته و حالا هم نوبت اوست که معنی و مفهوم خود را به زبان خدا بیان کند و به نام قرآن و "وحی خدا" به بازار می آورد.
سبب هر چه هست، آن چه در پیش روست به صراحت نشان می دهد که:

- حسین محی الدین الهی قمشهء به کاری دست زده که در بهترین حالتش «اصلاح، سانسور و تحریف مصحلتی آیات قرآن» نامید می شود.
این کاری است که حتی پیامبرش هم به خود اجازه انجامش را نمی داد، یا نمی بایست می داد.

3- حکمی برای عالم و عالمیان

مورد فوق اما، تنها «اصلاح و تغییر، سانسور و بازنویسی» یا دست بردن حسین محی الدین الهی قمشهء در معنی و مفهوم قرآن نیست. از این اصلاحات، سانسورها و دست بردن ها در کتاب قرآن ترجمه شده وی بارها و بارها به چشم می خورد. ترجمهء حسین محی الدین الهی قمشهء در واقع بیش از آن که «متن ترجمه ای» به مفهوم حرفه ای آن باشد، «تفسیر و تأویل خلاصه شده ای» از قرآن است.

البته تفاوت او با سایر مفسرین و متکلمین در این نیست که مثلاً وی در معنی و مفهوم کلام منسوب به خدا دست می برد، ولی دیگر مفسرین به چنین کاری دست نمی زنند. نه! «دست بردن در معنی قرآن کار همه شریعت سازان است». تفاوت او با بقیه در آن است که وی حتی احتیاجی نمی بیند که کار خود را «تفسیر قرآن» بنامد تا حداقل فرقی بین حرف و نظر شخصی اش با معنی و مفهوم مستقیم "کلام الله" ایجاد شود. او بهتر و راحت تر می بیند که همه تغییرات و تحریفات خود را، مستقیماً به نام خدا و قرآن بیان کند.

ترجمه آیه 12 سوره الاحقاف نمونه ای از این نوع «دست بردن های مستقیم در معنی و مفهوم آیه قرآن» را نشان می دهد:

"و پیش از قرآن کتاب تورات بر موسی که امام و پیشوای مهربان خلق بود نازل گردید و این کتاب قرآن مصدق کتب آسمانی پیشین به زبان فصیح عربی است نازل شده تا «ستمکاران عالم را بترساند» (... لینذر الذین ظلمو...) و نیکوکاران را بشارت دهد"¹⁷⁹ (سوره الاحقاف، آیه 12).

لازم نیست عربی بدانید تا متوجه شوید که در جمله عربی " لینذر الذین ظلمو..." کلمه ای راجع به «عالم و عالمیان» وجود ندارد و حسین محی الدین الهی قمشهء آن را از خودش در آورده و وارد معنی آیه کرده است.

¹⁷⁹ قرآن، ترجمهء حسین محی الدین الهی قمشهء.

دیگر مترجمین قرآن، عبارت (... لینذر الذین ظلمو...) را "تا ستم پیشگان (مشرک) را هشدار دهد..."¹⁸⁰ و "تا کسانی را که ستم کردند اذکار کند..."¹⁸¹ ترجمه کرده اند.

می بینیم که تفاوت الهی قمشهء با مترجمین دیگر، زیاد نیست و جز دو کلمه کوچک «عالم و عالمیان» را در بر نمی گیرد. در واقع الهی قمشهء کاری نکرده جز این که با افزودن این کلمه به کلام منتسب به خداوند خالق جهان، به آسانی و راحتی معنی آیه و "وحی" را تغییر داده و از موضوع مورد مشخصی که "شان نزول" معینی دارد، آیه و حکمی برای تمام «عالم و عالمیان» ساخته است. فقط همین!

این «مشت نمونه خروار» یکبار دیگر نشان می دهد که دست بردن در معانی قرآن و ساختن مبانی دینی جدید برای «مشروعیت دینی بخشیدن» به «حکومت و شریعت به اصطلاح اسلامی» در امروز، بسیار آسان تر و رایج تر از آن است که در ذهن می گنجد و انتظار می رود. در این صورت، این سؤال مطرح می شود که:

- با وجود این همه «اصلاحاتی» که در طول تاریخ دراز اسلام رسمی و حکومت گر انجام شده و گاهی منظور و مفهوم آیات را به تمامی تغییر داده اند، به کدام ترجمه ظاهرا با امانت قرآن می توان اعتماد کرد؟

و سؤال پیش می آید که:

- چرا از این همه اربابان دینی که به نام آیت و حجت خدا، سنگ خدا و قرآن را به سینه می زنند، در برابر این همه تحریفات قرآن حرفی نمی زنند و تکمیل، تحریف، سانسور و اصلاح «حمایتی» این و آن هم مسلک شان را با رضایت خاطر نظاره می کنند؟

این حاتم بخشی ها و سکوت موافقت آمیز کجا و بخشش جایی در بهشت، یا تهدید به سوزاندن هست و نیست مردم برای فقط پس و پیش کردن تلفظ کلمه ای از قرآن کجا؟ و چقدر عمر و انرژی که برای تلفظ

¹⁸⁰ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

¹⁸¹ قرآن، ترجمه تفسیر المیزان.

عربی حرف ضات کلمه «والضالین» سوره حمد صرف می شود، تا خداوند خالق جهان، که انگار جز به زبان عربی آشنا نیست، دعا و نماز بنده غیر عربش را با تلفظ صحیح عربی بشنود و از محتوای آن ها سر در آورد.

- چرا چنین است، این یک بام و دو هوائی از کجا می آید و این سنت پذیرش و توافق پنهانی از کجا ریشه می گیرد؟

ظاهراً در مقابل این گونه سؤالات، تنها پاسخ ممکن آن است که:

- اگر دست بردن در قرآن برای توجیه آیات دینی و دنیوی و قابل قبول نشان دادن احکام، حکومت و شرع اسلامی است، جایز است، تأیید می شود و انواع پاداش های دنیوی را در پی می آورد و بر عکس، اگر از این کار سودی عاید شریعت سازان و اربابان دینی اسلام حکومت گر نشود، و بد تر از آن، اگر چنین کاری علیه حکومت دینی و دنیوی و دکانداری شریعت خواهان نوع به نوع دینی و فرقه ای به کار رود، تغییر معنی و مفهوم آیه و آیه ها که نه، تلفظ نه چندان صحیح حرف و کلمه ای از آیات قرآن، حرام و کفر به حساب می آید، محکوم می شود، کیفر این جهانی و تهدید آن جهانی در پی می آورد و با اوایلای متشرعان و ملایان رو به رو می شود.

این تحریفات و دست بردن ها در قرآن البته کار امروز و فردا نیست، بل سابقه ای 1400 ساله دارد¹⁸². این همان تردستی بی است که در فقه و سنت اسلامی به «تفسیر» و «علم کلام» معروف است و بسیاری از این شریعت سازان با تبعیت از این «شیوه های جا افتاده»، به خود حق می دهند که آیات قرآن را به دلخواه خود تغییر دهند و با گذاشتن حرف به دهان خدای خالق جهان، وقت و بی وقت، آیات نوع به نوع جدیدی تقریر کرده و به بازار آورند؛ و با این کار به پاداش های سیاسی و اقتصادی برسند.

طبیعی است که یک چنین خدمات حمایتی برای حاکمان دینی، که هم از «نعمت» غارت ثروت مردم و توده های محروم مسلمان

¹⁸² ر. ک. به بحث مربوطه تحت عنوان «تحریف معنی و مفهوم قرآن با احادیث جعلی» در جلد سوم این کتاب.

برخوردارند و هم مدعی کلید داری بهشت برین خدایند، بدون اجر و پاداش نمی ماند.

دست بردن های مترجمان و خاصان در معنی و مفهوم قرآن، و از آن میان تحریفات حسین محی الدین الهی قمشهء، و همچنین پذیرش این تحریفات از سوی اربابان دینی حاکم بر مقدرات مردم مسلمان را، باید در زمینه مورد ارزیابی و بحث قرار داد.